

درآمدهایی از رفاه آسیای شرقی

علی آقا محمدی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه



- مدل رفاه در کشورهای آسیای شرقی
- راجر گودمن و دیگران
- علیرضا کلدی
- علیرضا کلدی (ناشر)
- ۱۳۸۱، ۲۸۶ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۲۰۰ تومان

یعنی سنگاپور، هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی و ژاپن را بررسی کرده است. به استثنای هنگ کنگ که رفاه در کمترین حد ارائه می‌شود و مسئول تأمین مالی آن دولت است در سایر کشورها نقش دولت عمدتاً در قانونگذاری است و این تشکیلات نیمه دولتی‌اند که صندوقهای مختلف رفاهی را اداره می‌کنند. در این کشورها روش تأمین مالی رفاه اجتماعی باعث شده است تا نظامهای رفاهی پراکنده‌ای به وجود آیند.

نویسنده در این فصل با مقایسه بین کشورهای آسیای شرقی و اروپا نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۲ در سوئد و انگلستان ارقام مربوط به نسبت هزینه عمومی به تولید ناخالص داخلی بیش از ۴۰ درصد است در حالی که همین ارقام در کشورهای آسیای شرقی از کشورهای اروپای غربی کمتر است.

نویسنده این استدلال را مطرح می‌کند که برای اینکه به این نتیجه برسیم که یک الگوی آسیای شرقی از رفاه اجتماعی با هزینه عمومی سطح پائین وجود دارد، باید به این سؤال جواب داد که آیا هزینه عمومی این دو دسته کشورها یکسان است؟

این کتاب مجموعه‌ای است از مقالات درباب وضع نظامهای رفاهی کشورهای آسیای شرقی یعنی ژاپن، هنگ کنگ، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی. چین نیز به عنوان موردی در مقابل این کشورها بررسی شده است. این مجموعه مقالات در پی پاسخ به این سؤال‌اند که آیا مدل رفاه شرقی وجود دارد یا خیر؟ در پناه این سؤال دو مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد: نخست آنکه چطور باید ساخت نظام رفاه شرقی را تشریح کرد، و سپس اینکه از تجربه‌های شرق برای حل بحران دولت رفاهی غرب چه می‌توان آموخت.

راجر گودمن و همکارانش در سه بخش و هشت فصل سعی کرده‌اند تا به این سؤالات پاسخ دهند.

در فصل اول گوردون وایت و راجر گودمن نظامهای رفاهی آسیای شرقی را دارای وجوه مشترکی می‌دانند اما تأکید می‌کنند که آنها یکسان نیستند. بنابراین نباید به دنبال یک مدل متجانس بود. این نظامها نقاط قوتی دارند اما نقاط ضعف فراوانی نیز دارند. (ص ۲۳)

در فصل دوم هوک - جوکوون نظامهای رفاهی پنج کشور آسیای شرقی

سیس نویسنده برای پاسخ به این سؤال به بررسی نظام رفاهی سنگاپور، هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی و ژاپن می‌پردازد:

سنگاپور: حمایت اقتصادی، بدون یکپارچگی اجتماعی

تونی بلر، رهبر حزب کارگر در ژانویه ۱۹۹۶، رهبران تجاری و سیاسی بومی در سنگاپور را مورد خطاب قرار داد و اعلام کرد که صندوق پس‌انداز مرکزی برای سنگاپور موفقیت عظیمی به شمار می‌آید و سپس در ادامه صحبت‌های خود اظهار کرد که دولت آینده حزب کارگر درسهایی از تجربه سنگاپور خواهد آموخت.

در حقیقت این نظام رفاهی را ارباب استعمارگر سابق سنگاپور، دولت انگلستان ابداع کرد. صندوق پس‌انداز به گونه‌ای تنظیم شده بود که دولت نقش تنظیم‌کننده را در تأمین مالی و عملیاتی صندوق بازی می‌کرد. مقامات مربوطه، صندوق پس‌انداز مرکزی را به صورت یک برنامه اجباری به اجرا در آوردند. اما در عین حال هیچ گونه یارانه‌ای به آن پرداخت نمی‌شد.

از سالهای دهه ۱۹۵۰، صندوق پس‌انداز مرکزی از یک طرح پس‌انداز ساده و اجباری به یک برنامه رفاه اجتماعی پیچیده تبدیل شده است، و از طرفی دیگر تأثیر آن در جامعه سنگاپور عمیق بوده است.

در سنگاپور برای کسانی که هیچ حسابی در صندوق پس‌انداز مرکزی ندارند تقریباً هیچ نوع تأمین اجتماعی وجود ندارد. پیدایش صندوق پس‌انداز مرکزی و ادامه آن تا حد بسیاری به این حقیقت بستگی دارد که «لی کوآن» و حزب «عمل مردم» وی از سال ۱۹۵۹ قدرت را در دست گرفته‌اند.

دولت لی، قانون روابط صنعتی را در سال ۱۹۶۷ و قانون استخدام را در سال ۱۹۶۸ ارائه نمود که شدیداً حقوق کارگران و قدرت اتحادیه را کاهش می‌داد. تصمیمی که در سال ۱۹۶۸ مبنی بر وصل نمودن طرح مسکن به صندوق پس‌انداز گرفته شد نشان می‌دهد که سیاست اجتماعی به طور اعم و صندوق پس‌انداز مرکزی به طور اخص نقش مهمی را در جهت ساخت دولت - ملت که پس از کسب استقلال، مهم‌ترین طرح راهبرد سیاسی لی محسوب می‌شد ایفا نمود.

در مجموع، صندوق پس‌انداز مرکزی خصوصیات برجسته خود را از همان زمان آغاز در سال ۱۹۵۳ حفظ نموده است. در تأمین مالی صندوق، نقش دولت به صورت قانونگذاری است که به وسیله همین قوانین، صندوق را به صورت یک طرح اجباری به اجرا درمی‌آورد.

ناتوانی در ایجاد احساس عمیق‌تر وفاداری ملی، به بدبینی طبقه متوسط و مهاجرت آنان منجر می‌شود. به دلیل این ناتوانی از اواخر دهه ۱۹۸۰ دولت حزب «عمل مردم» یک نوع مبارزه و تبلیغات را جهت ایجاد ارزشهای ملی آغاز کرده است. به همان ترتیبی که چوآ هشدار داده است، داشتن یک اقتصاد سالم بدون ایجاد وفاداری واقعی و عمیق از طریق برقراری دموکراسی یا ایجاد همبستگی اجتماعی نمی‌تواند یک پایه درازمدت برای توجیه نمودن موقعیت حزب «عمل مردم» به حساب بیاید.

نظام رفاهی در هنگ کنگ

ارائه پائین‌ترین سطح تأمین اجتماعی

کریس پاتن، فرماندار وقت هنگ کنگ، در سال ۱۹۹۵ طی یک سخنرانی که در برابر حزب محافظه‌کار انگلیس ایراد کرد، چنین اظهار نمود که بیشتر موفقیت هنگ کنگ را می‌توان به سطح پائین هزینه‌هایی که برای عموم مصرف می‌شود نسبت داد. وی در ادامه صحبت‌هایش چنین گفت که این موضوع نه تنها درباره هنگ کنگ صدق می‌کند، بلکه سایر کشورهای آسیای شرقی را که عملکرد اقتصادی چشمگیری داشته‌اند نیز دربرمی‌گیرد.

نظام رفاهی در هنگ کنگ شامل چهار زمینه اصلی در سیاست اجتماعی

داشتن یک اقتصاد سالم

بدون ایجاد وفاداری واقعی و عمیق

از طریق برقراری دموکراسی

یا ایجاد همبستگی اجتماعی

نمی‌تواند به صورت برنامه‌ای قابل توجیه

برای یک حزب باشد

است: تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان، مسکن و خدمات اجتماعی. نظام تأمین اجتماعی از لحاظ تأمین مالی و همچنین اداره آن با سنگاپور که آن هم قبلاً مستمره انگلیس بوده بسیار متفاوت است.

در حالی که اعضای صندوق پس‌انداز مرکزی سنگاپور ۵۴ درصد جمعیت کاری این کشور را تشکیل می‌دهد، نظام تأمین اجتماعی هنگ‌کنگ فقط بخش‌های بخصوصی از جمعیت را دربرمی‌گیرد. دو برنامه اصلی عبارت‌اند از: کمک جامع تأمین اجتماعی که برای افراد کم درآمدی که درآمدشان از سطح معینی کمتر است کمک‌های مالی ارائه می‌کند و مقرری نیازمندی‌های ویژه که مردم سالمند و افرادی را که دچار معلولیت‌اند تحت پوشش قرار می‌دهد.

در حالی که سطوح و همچنین دامنه کمک اجتماعی خیلی محدود است، هنگ‌کنگ دارای برنامه مسکن عمومی چشمگیری است. اداره مسکن هنگ کنگ مسئول هماهنگی کلیه جنبه‌های مسکن عمومی است.

تایوان: دموکراسی و جهت‌گیری جدید سیاست اجتماعی

پس از طرح بیمه کارگیری که در سال ۱۹۵۰ به کار گرفته شد، نظام رفاهی

تایوان فقط با دو برنامه تأمین اجتماعی تا دهه ۱۹۸۰ به حالت راکد درآمد: بیمه کارگری و بیمه کارکنان دولت. اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، برنامه جدیدی ارائه شده است که باعث ایجاد یک ساختار پراکنده و پیچیده شده است. تا سال ۱۹۹۵، وقتی که برنامه بیمه ملی ارائه شد، نظام رفاهی شامل چهارده برنامه اصلی بود که وزارتخانه‌های مختلف دولت مرکزی و فرمانداریها مسئولیت آنها را به عهده داشتند اگرچه تقریباً تمام آنها برنامه‌های بیمه درمانی بودند. برنامه‌های بیمه کارگری و بیمه کارکنان دولت شامل پرداختهای بازنشستگی که به صورت یکجا پرداخت می‌شد و طرحهای بیمه درمانی می‌گردید. سایر برنامه‌ها فقط طرحهای بیمه درمانی داشتند. بیمه درمانی ملی سال ۱۹۹۵ تمام طرحهای بیمه ملی را در یک طرح می‌گنجاند که انتظار می‌رود تمام آنچه را که قبلاً تحت پوشش قرار نگرفته بود تحت پوشش قرار بدهد. این موارد تغییرات اصلی در بیمه کارگری و بیمه کارکنان دولت محسوب می‌شدند که همراه با ارائه برنامه بیمه درمان ملی صورت می‌گرفتند.

به طور خلاصه، دولت تایوان نه تنها مرجع قانونگذاری بلکه تاحدودی نیز ارائه کننده منابع مالی برای رفاه اجتماعی بود

حفاظت اجتماعی در برابر وقایع غیرمترقبه زندگی از مدتها پیش به صورت یک امتیاز دولتی محسوب می‌شد که به کسانی که برای دولت کار می‌کردند تعلق داشت. به همین دلیل بود که کارکنان دولت، معلمان مدرسه‌های خصوصی و افراد تحت تکفل آنها اولین گروهی بودند که تأمین اجتماعی داشتند. به طور خلاصه، دولت تایوان نه تنها مرجع قانونگذاری بلکه تاحدودی نیز ارائه کننده منابع مالی برای رفاه اجتماعی بود. همین موضوع راه رسیدن به اجرای برنامه بیمه درمانی ملی را هموار می‌ساخت، که به این ترتیب مراقبتهای درمانی را به عنوان حق اجتماعی شهروندان تایوان تضمین می‌نمود.

کره: سیاستهای مشروعیت بخش وضعیت تأمین اجتماعی نظام رفاه کره جنوبی تا حد زیادی به وسیله دولت نظامی که پس از کودتای نظامی سال ۱۹۶۱ قدرت را به دست گرفت به اجرا درآمد. اولین برنامه رفاهی اجتماعی که به اجرا درآمد طرح بیمه حوادث صنعتی در سال ۱۹۶۳ به همراه یک طرح مادر برای بیمه درمانی بود. طرحهای بیمه درمانی ملی از یک طرح مادر برای بیمه درمانی که از سال

۱۹۶۵ به مدت ده سال مورد آزمایش قرار گرفته بود متشأ گرفته‌اند. به دنبال پیشنهادهایی که به ضمیمه کمک مالی از سوی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۵ داده شد، در سال ۱۹۷۷ برنامه بیمه درمانی ملی به صورت یک طرح اجباری معرفی گردید. این طرح در ابتدا با شرکت‌های بزرگ آغاز به کار کرد و سپس شامل کارکنان بخشهای دولتی و معلمان مدرسه‌های خصوصی گردید. دولت عمدتاً قانونگذار است. تنها مورد استثنا در اصل بیمه نظام رفاهی کره جنوبی برنامه کمک دولتی است که در سال ۱۹۶۵ معرفی شده و مراقبتهای نهادین و اجتماعی و درآمدی را به کسانی که به طور رسمی فقیر اعلام شده‌اند ارائه می‌نماید. شخصی که می‌خواهد از این مزایا استفاده کند باید نشان دهد که توانائی کسب درآمد خود را از دست داده است و از طرف بستگانش نیز پشتیبانی نمی‌شود. دارائیهای شخصی نیز می‌باید کمتر از سطحی باشد که دولت همه ساله اعلام می‌کند.

در کره برنامه کمک دولتی از این لحاظ که به افراد محتاج نمی‌رسد، به طور مؤثر عمل نمی‌کند و پول موجود برای کسانی که واجد شرایط دریافت مزایا نیستند صرف می‌شود و بازدهی ندارد. دلیل بنیانی نامناسب بودن برنامه کمک دولتی کره، تشابه آن به قانون فقر انگلیس است که در قرن هفدهم اجرا می‌شد. این طرح، یک حق اجتماعی را از نظر داشتن یک زندگی شرافتمندانه تضمین نمی‌کند. هدف آن، ارائه کمترین سطح کمک مالی است تا هیچ‌گونه کم کاری صورت نگیرد. روشهای تأمین مالی، این تصور را برای عموم مردم کره جنوبی به وجود می‌آورد که برای به دست آوردن حقوق اجتماعی باید سهم خود را پرداخت نمایند. آنها شهروند بودنشان را آن گونه که تی اچ مارشال می‌پندارد دلیل بر داشتن حقوق اجتماعی نمی‌دانند.

سبک ژاپنی جامعه رفاه

نظام رفاهی ژاپن که صورت پراکنده و پیچیده‌ای دارد، در طی چندین مرحله به صورت کنونی درآمده است. سه مفهوم متفاوت از نظام رفاه اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری تاریخ اخیر در توسعه آن داشته است. در سال ۱۹۷۳، ناتاکا که در آن زمان نخست‌وزیر بود قول داد که دولت وی تلاشهای بسیاری در دستیابی به وضعیت رفاهی نظیر جوامع غربی خواهد نمود. بسیاری از ژاپنیها این سؤال را مطرح نموده‌اند که آیا وضعیت رفاه غرب می‌تواند برای کشور آنها مطلوب باشد یا خیر. حزب لیبرال دموکراتیک چنین بحث می‌کرد که ژاپن از شیوه غربی که فقط باعث بروز بیماری رفاه می‌شود پیروی نخواهد کرد. در عوض، ژاپن به یک نظام رفاهی که خانواده نقش کلیدی را در آن به عهده خواهد داشت احتیاج دارد. در یک چنین نظامی، دولت باید در برابر تمایلات مربوط به گسترش مقاومت نماید و بازار نیز نقش مهمی در ارائه رفاه ایفا نماید. اما در طی دهه ۱۹۸۰، ژاپن با یک فکر دیگر درباره رفاه اجتماعی، با شعاری تحت عنوان «آماده برای یک جامعه کهنسال» ظاهر شد. وزیر درمان و رفاه به این نکته اشاره کرد که تا سال ۲۰۲۵، یک نفر از میان هر ۵ ژاپنی بالای ۶۵ سال خواهد بود. ژاپن که با جامعه‌ای که به دوران سالمندی پا می‌گذاشت روبرو شده بود، مخصوصاً به صورت مراقبت درمانی و بازنشستگی تقاضای بسیار بالائی برای رفاه داشت.

نظام رفاهی ژاپن، در نوع خود، می‌تواند به چهار طبقه تقسیم‌بندی بشود: مراقبت پزشکی، حفظ درآمد، خدمات اجتماعی و مسکن. در سال ۱۹۹۱ برای صاحبان مشاغل آزاد، صندوقهای بازنشستگی ملی تشکیل شدند تا مکمل بازنشستگی ملی بشوند. سه نوع صندوق بازنشستگی وجود دارد. صندوقهای نوع انجمن که به وسیله صاحبان مشاغل آزاد که در همان حوزه ریاست صندوق زندگی می‌کنند و براساس یک صندوق در هر حوزه

ریاست تشکیل شده‌اند، سازماندهی شده است. نقش دولت در این توافقها اجرای برنامه‌های بازنشستگی همگانی به صورت اجباری و ارائه پارانه است. با این دیدگاه دولت عمدتاً بعنوان قانونگذار و تاحودی نیز ارائه کننده عمل می‌کند. در مقایسه، تحت نظام جدید دولت نقش اساسی و اصلی را به عنوان ارائه دهنده بازنشستگیهای اصلی به تمام کسانی که واحد شرایطانده، به عهده دارد، زیرا بازنشستگی ملی به صورت بنیان نظام بازنشستگی عمومی درآمده است.

حزب لیبرال دموکراتیک ژاپن معتقد است که ژاپن نباید از شیوه غربی که فقط باعث بروز بیماری رفاه می‌شود پیروی کند و در عوض به یک نظام رفاهی احتیاج است که خانواده در آن نقش کلیدی داشته باشد.

بخش سوم کتاب که شامل ۶ فصل می‌شود به مطالعات موردی پرداخته است. در فصل سوم کریستوفر ترم وان مسئله مسکن عمومی تحت حزب دولت سنگاپور را بررسی کرده است.

در فصل چهارم هاک - جوکوان نشان می‌دهد که برنامه بازنشستگی ملی کره جنوبی با مشکلات مالی روبرو خواهد شد. علت اصلی عوامل بیرونزا مانند تغییرات در اقتصاد و ساختار جمعیتی این کشور ذکر شده است. دولت حتی نمی‌تواند برنامه بازنشستگی ملی موردی را به عمل درآورد. بنابراین برای کنترل اوضاع باید اصلاحاتی در برنامه بازنشستگی صورت گیرد.

در فصل پنجم یئون - ون کو به مرور توسعه بیمه درمان ملی در تایوان می‌پردازد. نویسنده از ارتباط توسعه بیمه درمان ملی با بستر اقتصادی - سیاسی تایوان و سایر کشورهای صنعتی آسیای شرقی. نتیجه می‌گیرد که اصلاحات رفاهی به عنوان مصرف محدود منابع در نظر گرفته شد و در نتیجه بر وفق مراد دولت تایوان نیست. مگر در برخی امور مانند آموزش و پرورش که دارای زمینه اقتصادی قابل توجهی است. همچنین نویسنده حرکت‌های اجتماعی دموکراسی خواهی را در جهت گسترش نظام رفاه همگانی ارزیابی می‌کند. (ص ۱۶۹) اما به هر حال دولت تایوان هنوز اهداف اقتصادی را در اولویت قرار داده است. نویسنده خروج بیمه درمان ملی در تایوان از دوراهی را منوط به توسعه آینده رفاه دولتی می‌داند. «نشانه‌هایی از این که یک نوع از وضعیت رفاهی در تایوان ممکن است ظهور کند، وجود دارد.» (ص ۱۷۰)

راجر گودمن در فصل ششم این استدلال را مطرح می‌کند که اگرچه نظام رفاهی معاصر ژاپن به وسیله افرادی معرفی می‌شود که از «سبک ژاپنی دولت رفاهی» به عنوان نتیجه طبیعی الگوهای سنتی مراقبت اجتماعی طرفداری می‌کنند، در حقیقت این نظام قطعه قطعه پدید آمده است.

در فصل هشتم، گوردون وایت اصلاحات تأمین اجتماعی در چین را بررسی می‌کند. شناخت اصلاحات رفاهی در این کشور باید براساس شناخت سه عامل صورت گیرد: نخست انتخاب سیاست واقعگرایانه براساس برآورد هزینه‌های نسبی و مزایا؛ دوم، در نظر گرفتن تفکرات متفاوت و خصوصیات و اهداف نظامهای رفاهی و نهایتاً توجه به رقابت گروه‌های ذینفعی که در مجموعه و

حزب لیبرال دموکراتیک ژاپن معتقد است که ژاپن نباید از شیوه غربی که فقط باعث بروز بیماری رفاه می‌شود پیروی کند و در عوض به یک نظام رفاهی احتیاج است که خانواده در آن نقش کلیدی داشته باشد

نظام رفاهی سبک ژاپنی نتیجه طبیعی الگوهای سنتی مراقبت اجتماعی است

افزایش پیچیدگی جامعه چینی به بقای نظامهای رفاهی گوناگون در مناطق مختلف انجامیده است

منطق ضد و نقیض نظام سوسیالیستی که دستخوش تغییرات است به وجود می‌آید. بررسی نظام رفاهی چین در حقیقت مطالعه موردی در مقابل سایر همسایه‌های آسیای شرقی است. میراث بنیانی و بینش دولت سوسیالیستی همچنان تجاربی را حفظ کرده است که دیگر کشورهای آسیای شرقی با آن روبرو نبوده‌اند. همچنین افزایش پیچیدگی جامعه چینی به بقای نظامهای رفاهی گوناگون در مناطق مختلف انجامیده است. بنابراین نظامهای رفاهی چین با خصوصیات چین هماهنگ و مطابقت خواهد داشت.

نتیجه:

این کتاب حناقل نظامهای رفاهی ۵ کشور آسیای شرقی را مورد بررسی قرار داده است: سنگاپور، هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی و ژاپن. هیچ شکی وجود ندارد که نظامهای آنها خصوصیات مهم و مشترکی دارند.

اولاً به استثنای هنگ کنگ که رفاه به کمترین حد ارائه شده و به وسیله دولت تأمین مالی می‌گردد، نقش دولت در تأمین مالی نظامهای رفاهی، عمدتاً به صورت قانونگذاری است. به جای نمایندگیهای دولتی، تشکیلات نیمه دولتی، صندوقهای متفاوتی را که پرداخت سهمیه‌های رفاه اجتماعی به آنها صورت می‌گیرد، اداره می‌کنند.

ثانیاً روش تأمین مالی رفاه اجتماعی باعث به وجود آمدن نظام رفاهی پراکنده‌ای شده است که مخاطرات گرد هم آوردن آنها از یک نظام ادغام شده کمتر است. به عنوان مثال، در نظام مراقبت درمانی کره جنوبی، کارکنان دولت، کارگران صنعتی صاحبان مشاغل آزاد و کشاورزان طرحهای بیمه درمانی خودشان را دارند که هیچ نقل و انتقالی مابین آنها صورت نمی‌گیرد. سوم اینکه، نتیجه توزیع مجدد در سیاست اجتماعی آسیای شرقی یا کشورهای غرب مانند بریتانیا متفاوت است. این تفاوت به خاطر روشهای تأمین مالی رفاه است.

این مطالعه نشان داد که توزیعهای درآمد بازار و درآمدهای مصرفی در ژاپن و کره جنوبی با انگلستان برابر است، اما دخالت سیاست اجتماعی در انگلستان بیش از ژاپن و کره جنوبی که بالاترین سهم بیشتری از منافع اجتماعی می‌برند جنبه توزیع مجدد دارد.

آخر اینکه پیکارهای سیاسی که در پشت نظام رفاهی در آسیای شرقی نهفته است، در طی سالهای اخیر عمدتاً تحت سلطه نیروهای سیاسی محافظه کار بوده است. در تمام ۵ کشور که مورد بحث قرار گرفته است، نبود هر نوع تاثیر اتحادیه کارگری و حزبهای دموکراتیک اجتماعی از خصوصیات مهم تصمیم‌گیری در سیاست اجتماعی است. نبود فشارهای سیاسی تاحودی نشان می‌دهد که چرا این ۵ کشور دارای نظامهای خاص سیاست اجتماعی هستند.

به طور کلی این کتاب نمونه خوبی از مقایسه سیاست اجتماعی در چند کشور تازه توسعه یافته است و می‌تواند مقدمه‌ای نظری بر بررسیهای تطبیقی بیشتر باشد. این کتاب برای دانشجویان برنامه‌ریزی رفاه و برنامه‌ریزان سیاست اجتماعی اطلاعات خوبی را فراهم کرده است.